

روایت اشک

کتاب روایتی شهیدان غلام عباس
مرادی و امام الله ولی زاده، حجت الله
شهبازی و حسین علی مرادی

غلامرضا مرادی سیف آبادی



سرشناسه: مرادی سیف آبادی، غلامرضا، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: روایت اشک: حکایت زندگی شهیدان غلام عباس مرادی، ماشاءالله ولی زاده، حجت الله
شهپزای، حسین علی مرادی / غلامرضا مرادی سیف آبادی.
مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۴۳۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فبیپا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Biography

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۴۹۱ / ۱۶۲۵ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴۳ / ۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۷۵۳۵۶

روایت اشک

غلامرضا مرادی سیف آبادی

ناشر: دارخوین

گرافیک: حامد شاه مرادی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۴۳۹-۵

با حمد و سپاس از خداوند متعال که در تمام پیچ و خم و گرفتاری های روزگار یار و نگهدار ما است.

اینجانب حاج غلامرضا مرادی می خواهم دردی از دردهای دل خانواده های معظم شهدا و دیگر یادگاران دفاع مقدس را از گو نمایم که شاید مرهمی باشد بر دل آنها و خاطره فرزندانشان را زنده نگه داریم. بعد از جنگ سال ها و سال ها سپری می شد و کم کم یاد و خاطره شهدا به فراموشی سپرده شد. در مجالس دیگر یادی یا حرفی از شهدا زده نمی شود و اگر هم چیزی گفته می شود عده ای می گویند برای چی و کی کشته شده اند. گاهی هم عده ای سر تکان می دهند و می روند. خداوند می فرماید: من خون بهای شهیدان را پس وای بر احوال ما روزی باید جواب گوی اعمال خود باشیم.

شهدا که چشم و چراغ هدایت ما هستند و می توانند شفاعت نمایند پس چرا هی می گوییم اگر در کربلا بودیم فلان کار را می کردیم. کربلای ما امروز است حسین زمان داریم رهبری روشندل و توانا پس چرا حسین حسین گویان به دور او نمی گردیم تا کربلای دیگر تکرار نشود و و دینمان به غارت



نرود در سخنان حضرت آقا غم ها شنیده می شود گویی ایشان هم رازها در دل دارد. سالیان سال تا چشمم به مادران یا پدران شهدا می افتد دل از کف می دادم. باید کاری می کردم.

شهدا گذشته و حال و آینده ما هستند. حال که سلاح بر زمین گذاشتیم با قلم به دست گرفت یاد و خاطره آن دوران دفاع مقدس و آن مردان عاشق را بر کاغذ به نگارش در آورم. بر خود دانستم که زندگی نامه چهار لاله سرخ را از تولد شهدا بر روی کاغذ بیاورم که با زنده نگاه داشتن یاد و خاطره آنها دل ها را شاد نموده که شاید رنج سفر آخرت را کم نماید.

چهار شهید را تباه استاز چهار محال و بختیاری از قوم سایه نشینان زاگرس امیدوارم که بتوانم آنچه در آن آنهاست را بیان نمایم.

چشم امیدم به دعای من است شما مردم شایسته پرور و خانواده های معظم شهدا و یادگاران دفاع مقدس می باشد.

